

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

انینۀ ایران

میثم مردوخ

۲۲.۰۶.۱۰

اتحاد جنبش دانشجویی با جنبش کارگری،

افقی نوین در دانشگاه و وظایف فعالان سوسیالیست

با نیم نگاهی به آنچه در سال ۸۸ که به دنبال اعتراضات توده‌ای مردم بعد از انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری به وقوع پیوست، روند رادیکالیزه شدن این مبارزات در هر گام پیشروی و البته بدون رهبری منسجم و سوسیالیستی به عین قابل مشاهده بود. اگرچه جریان‌ات راست و لیبرال (با تمام جناح‌های رنگارنگش) در داخل و خارج و با کمک رسانه‌های بورژوازی جهانی تلاش بی وقفه و البته ناکام برای کنترل این مبارزات و محصور کردن آن در چهارچوب تنگ سیاست لیبرالی خود و قانون اساسی رژیم را با جدیت دنبال کردند، اما این روند رادیکالیزم مبارزات توده‌های به جان آمده و ستم کش ایران و البته بخش قابل توجه آن را که دانشجویان و جوانان تشکیل داده بودند، روند پیشروی سریع و قابل پیش بینی در پس زدن جناح اصلاح طلب رژیم را طی کرد و به نقطه‌ای رسیدند که دیگر نه تنها رژیم‌ها سرمایه داری اسلامی، بلکه جناح رانده شده از قدرت هم تاب تحمل و دیدن این واقعیت را نداشتند. همه با یک ائتلاف غیر رسمی و البته عملی از هیچ کوششی برای سرکوب و اخته کردن این مبارزات آزادی خواهانه کوتاهی نکردند. از سرکوب، کشتار و اعدام گرفته تا به کار بردن سیاست فریب و سترون سازی توده‌ها (از سوی جناح موسوم به موج سبز به رهبری موسوی و کروبی و خاتمی) هر چه در چنته داشتند در گرو سرکوب و کنترل این مبارزات گذاشتند. اما آن چه مهم و مورد توجه است، نه تنها توده‌های آزادی خواه و مبارز مرعوب این سیاست نشدند و نه تنها فریب دنباله روی از هیچ جناح بورژوازی را نخوردند بلکه آن چه در جریان است پیشروی مبارزات نوید بخش و قابل اتکاء برای توده‌های زحمتکش خواهد بود.

روندی را که این مبارزات طی کرد نقطه اوج رادیکالیزم خود را در اول ماه مه روز جهانی کارگر به همه نشان داد. اگرچه اعتراضات توده‌ای با تظاهرات خیابانی شروع و با گذشت زمان از آن کاسته شد، اما مردم معترض و آزادی خواه با درک درستی از اینکه این مبارزات تنها با تغییر و کاربست راهکارها و سبک کار نوینی برای احقاق حقوق لگد مال شده خود می‌توانند پیشروی و پیروزی آن را تضمین نماید، از این رو در سیر پیشروی این مبارزات، کارگران و مردم به جان آمده روز جهانی کارگر را به روز مبارزه علیه نظام سرمایه داری حاکم، بی حقوقی‌ها،

استبداد و ناعدالتی تبدیل کردند. روز جهانی کارگر نقطه عطفی بود که مبارزات طبقه کارگر و آزادی خواهانه مردم در سه دهه اخیر و مشخصاً سیر صعودی اعتراضات یک ساله اخیر را طی کرده بودند و باید در وضعیت کنونی و در روز جهانی کارگر، که نماد اتحاد طبقاتی کارگران و زحمتکشان علیه نظم کاپیتالیسم است، توازن قواء را با اتکاء به نیروی تعیین کننده طبقه کارگر به نفع توده ها تغییر دهند. آن چه طی این پروسه مبارزاتی حلقه مفقوده آن یعنی جنبش متشکل کارگری را با خود همراه نداشت، در روز جهانی کارگر پیوستگی این مبارزات رهائی بخش به رهبری جنبش کارگری را در برابر کل جامعه قرار داد.

روز جهانی کارگر در ایران اگرچه از سوی جناحهای مختلف بورژوازی، از سران رژیم سرمایه گرفته تا رهبران موج سبز و لیبرال های خارج کشور همه و همه از کارگر و حقوق آنها دهان کشودن و فریبندگی و ناکارآمدی خود را بیش از همیشه عیان ساختند، اما با ابتکار عمل و زحمات قابل تحسین رهبران و فعالان کارگری سوسیالیست و جریانات چپ و سوسیالیستی در داخل و خارج، جنبش کارگری نه تنها به زائده و ابزار هیچ کدام از جناح های بورژوازی تبدیل نشد، بلکه به عین هر آن چه در توان داشتند نیروی مستقل و رادیکال و طبقاتی خود را نیرومندتر وارد عرصه مبارزات سیاسی کرد. ولی تنها چیزی که مهم و قابل توجه بود این است که رمز اینکه کلیه جناحهای بورژوازی و حتی سران حاکمیت سرمایه هم تلاش می کردند سخنی برای کارگران داشته باشند؟! ریشه در قدرت مندی طبقه کارگر در تغییر و تحولات اجتماعی دارد. واقعیت این است که با تجربه تاریخی و آن نیروی تعیین کننده ای که سرنوشت هر جامعه طبقاتی را به خود گره زده است طبقه کارگر متشکل و سازمان یافته بوده و خواهد بود. بحران عمیق اقتصادی و سیاسی که سراپا این نظم کهن سرمایه داری اسلامی ایران را در برگرفته، عملاً روند رو به رشد اعتراضات کارگری را به همراه داشته و در روند پیشروی آن جامعه را ناگزیر به تغییراتی خواهد کرد. این وزن و موقعیت و توانمندی طبقه کارگر است که این جانیان انسان، سیستم و جناح های مختلف بورژوازی ضد کارگری را و داشته تا هر آن چه در توان دارند این جنبش را کنترل و سترون سازند.

روز جهانی کارگر در ایران علی رغم حضور وسیع و گسترده نیروهای امنیتی و چماق به دستان سرمایه و با وجود تلاشهایی از سوی رسانه های بورژوائی غرب نظیر صدای امریکا و رادیو فردا که سعی در به هم زدن و تحریف ساعت برگزاری مراسم داشتند، در تهران و تعدادی از شهرهای ایران با حضور کارگران، فعالان پیشرو کارگری، دانشجویی و زنان و توده مردم آزادی خواه این روز را گرمی داشتند و به جناح های راست و ارتجاعی سرمایه نشان دادند که جنبش کارگری ایران نه تنها به نیروی ذخیره آن ها تبدیل نخواهد شد بلکه هر چه در توان دارند برای پیشروی و تشکیل یابی طبقاتی و تودمئی کارگران گام برخواهند داشت.

و اما آن چه قابل توجه و مورد بحث ما خواهد بود، حضور دانشجویان و فعالان سوسیالیست آن و تلاش آن ها برای برگزاری مراسم روز جهانی کارگر بود. جنبش دانشجویی که در نیم قرن اخیر یکی از جنبشهای پیشتاز و رادیکال اجتماعی بوده است اکنون و بعد از طی کردن فراز و نشیب های فراوانی وارد دوره مهمی از مبارزات اجتماعی در فضای سیاسی ایران شده است. گرایش چپ و سوسیالیستی جنبش دانشجویی در این مقطع از مبارزه سیاسی، خود از یک طرف نتیجه برآمد مبارزات طبقاتی و پیشروی جنبش کارگری و از طرف دیگر نتیجه بن بست ستراتیژیک دفتر تحکیم وحدت و جریانات رفراندوم طلب سکولار بوده است. شرکت در برگزاری مراسم و اکسیون های روز جهانی کارگر هم دنباله این سیر پیشروی جنبش رادیکال دانشجویی بوده است. بناء به گزارشی که از سوی شورای برگزاری روز جهانی کارگر منتشر شد در چند دانشگاه، دانشجویان به مناسبت روز جهانی کارگر

دست به تجمع های اعتراضی زدند. از جمله در دانشگاه های تهران، بروجرد، مشهد، کرمان، آزاد تهران، علم و صنعت و شهرکرد.

در دانشگاه تهران شعارهای "دانشجو کارگر اتحاد اتحاد" و "مرگ بر دیکتاتور" و "دیکتاتور حیا کن دانشگاه رو رها کن" توسط دانشجویان سر داده شد. دانشجویان بعد از حدود ۲ ساعت تجمع اعتراضی به حضور احمدی نژاد، به قصد پیوستن به صفوف کارگران دانشگاه را ترک کردند.

در بروجرد در روز جهانی کارگر در دانشگاه این شهر، کارگران و نمایندگان کارگران نیز شرکت داشتند. دانشجویان برای ابراز همبستگی و اتحاد، از کارگران برای این مراسم دعوت کرده بودند و با تأکید بر مطالبات کارگران، خواهان رفع تبعیض و ستم بر کارگران شدند. مطالباتی که دانشجویان بر آن تأکید داشتند، از جمله افزایش دستمزدها و ایجاد اشتغال و امنیت شغلی برای همه و افزایش امکانات رفاهی بود.

دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد در بزرگداشت روز جهانی کارگر، علی رغم فضای سنگین سرکوب و کنترل دانشجویان آنروز صبح در کلاس های درس شرکت نکردند و کلاس ها را تعطیل کردند. دانشجویان همچنین از گرفتن غذا از سلف سرویس دانشگاه امتناع کردند.

دانشجویان دانشگاه آزاد شهرکرد و دانشجویان دانشگاه آزاد تهران مرکز در روز جهانی کارگر و در حمایت و همبستگی با کارگران در این روز دست به اعتصاب غذا زدند.

دانشجویان دانشگاه علم و صنعت نیز در بزرگداشت روز جهانی کارگر و در همبستگی و حمایت از کارگران در سالن غذاخوری دانشگاه تجمع و سرود خوانی کردند. حراست دانشگاه به دانشجویانی که مراسم را آغاز کرده بودند حمله کرده و مانع پیوستن سایر دانشجویان به آنان شد.

واقعیتی را که می بایستی از این گزارش استنتاج کرد، روند رادیکالیزه شدن و کشودن افقی نوین در پرتو مبارزات آزادیخواهانه و سوسیالیستی در دانشگاه است. این گام مهمی است که بخش چپ و سوسیالیستی آن برداشته و مسیر ایجاد اتحاد و همبستگی با جنبش کارگری را در پیش گرفته اند. حضور دانشجویان در مراسم اول ماه در دانشگاه و اکسیون های روز کارگر در چندین شهر مختلف و شعار "کارگر دانشجو، اتحاد اتحاد" نقطه عطف و عظمت مبارزات دانشجویان و بخش چپ آن در مسیر مبارزات سوسیالیستی تاکنون آن بوده است.

این که در دانشگاه ستراتیژی اتحاد جنبش دانشجویی با جنبش کارگری پیگیری و به مثابه افق رهایی بخش و اجتناب ناپذیر تبدیل شده است از این واقعیت سرچشمه میگیرد که در جامعه ای که اکثریت آن را توده های کارگر و زحمتکش تشکیل داده اند و مناسبات تولیدی سرمایه داری موجودیت خود را تنها با استثمار و به غارت بردن حاصل کار کارگران و اکثریت جامعه حفظ خواهد کرد. دانشجویان زیادی که خود از خانواده های کارگری و اقشار زحمتکش جامعه هستند که خود هم با تحمل بار طاقت فرسای زندگی شاق خانواده هایشان وارد دانشگاه شده اند. از اینکه دانشجویان وضعیت تلخ و فلاکتبار اکثریت توده های مردم و کارگران را در فقر و سیه روزی شاهد هستند که چگونه با محرومیت های فزاینده زندگی خود را تأمین می کنند. به دنبال فارغ التحصیل شدنشان از دانشگاه عملاً بازار کار منتظر حضور نیروی کار آن ها خواهند بود و همان مناسبات استثمار و نابرابری طبقاتی بر آنان نیز تحمیل خواهد شد و یا این که شیخ بیکاری از هم اکنون بر آینده بسیاری از این دانشجویان سایه افکنده است، و به خیل عظیم ارتش ذخیره کار می پیوندند که بنابر گزارشات منتشره اکنون بیشتر از ۳۰ درصد از فارغ التحصیلان کشور بیکار هستند. اینکه دانشجویان در دانشگاه با فقدان هر گونه آزادی روبرو هستند و مدام از سوی چماق به دستان سرمایه سرکوب می شوند و اعتراض به این مناسبات فوراً و بی درنگ با برخورد شدید مأمورین امنیتی و

حراست روبرو خواهند شد. به معنای واقعی استبداد و اختناق سیاسی ریشه عینی در نظام سرمایه داری اسلامی ایران دارد و بر متن چنین وضعیتی خواهد بود که دانشجویان سراغ افق و ستراتیژی را خواهند گرفت که کسب مطالبات و خواست های آزادیخواهانه شان قابل حصول باشد.

جنبش دانشجویی و مشخصا بخش چپ و سوسیالیستی آن به مثابه جریان سیاسی و پیشرو در جامعه سرمایه داری اسلامی و اختناق زده تنها با ارجاع به جامعه و پیگیری مطالبات دموکراتیک و آزادیخواهانه به رادیکالترین شکل ممکن نمایندگی و در تحقق آن گام بردارد، امر ضروری و عاجل در برداشتن هر گام آن خواهد بود. در عین حال رادیکال ترین و عمیق ترین مطالبات دموکراتیک جامعه ایران در شرایط کنونی در حیطه خواسته های جنبشهای اجتماعی مختلف بروز و ظهور یافته است. بنابراین بخش چپ و سوسیالیستی جنبش دانشجویی در مقابل انواع مختلف ستراتیژی های دست راستی که در مقابل این جنبش مطرح می گردند، باید گزینه رجوع به جنبش های اجتماعی را، با هدف تقویت قطب سوسیالیستی، طرح و معرفی و مشخصا جنبش های کارگری و زنان و دفاع از آزادی های دموکراتیک در سطح جامعه به رهبری طبقه کارگر را در این راستا مد نظر خود قرار دهد. در این حالت جنبش دانشجویی به حیطه ای بدل می گردد که بدنه و بافت و وظایف و مشغله هایش را امور مربوط به جنبشهای اجتماعی دیگر تشکیل می دهند.

در مسیر مبارزه برای کسب آزادی های سیاسی، جنبش دانشجویی باید بداند که به همیاری کدام نیروی اجتماعی می تواند اتکاء کند و پاسخ به این سؤال را در نیروئی بیابد که قدرت تحمیل آزادی های سیاسی و حقوق دموکراتیک به استبداد حاکم را داراست. مبارزات اجتماعی و سیاسی جنبش کارگری به علت نیاز ساختاری آن به تشکل با اشکال گوناگون خفقان سیاسی آشتی ناپذیر است و به مبارزه برای کسب آزادی های دموکراتیک در سطح عمومی گره خورده است. مکان این طبقه در تولید و خصلت گریز ناپذیر جمعی مبارزه اش به او جایگاهی می دهد که برای هیچ یک از طبقات و اقشار تحت ستم موجود نیست. زمانی که توده های طبقه کارگر در سطح وسیع به مبارزه برخیزند قدرت تحمیل حقوق دموکراتیک و آزادی های سیاسی به استبداد حاکم را خواهند یافت و ایجاد تشکلهای توده ای کارگران گامی اساسی به سوی دموکراتیزه کردن فضای سیاسی و کسب حقوق پایدار است.

از این روست که دانشجویان کسب خواست و مطالبات خود را در اتحاد با جنبش کارگری می بینند و تحقق آن را به پیشروی و تشکل یابی طبقه کارگر گره زده اند. برای این مهم دانشگاه کانونی برای دفاع از حقوق و مطالبات طبقه کارگر و رهبری آن برای احقاق حقوق پامال شده شان در جامعه سرمایه داری تبدیل شده است. به این معنا که برای کسب هر گونه خواست مطالبات دموکراتیک و آزادی های سیاسی در سطح جامعه، در گرو به میدان آمدن جنبش کارگری متشکل و سازمانیافته است و با طرح این مسأله که تنها با مبارزه طبقاتی طبقه کارگر در اتحاد با سایر جنبش های دموکراتیک و آزادی خواهانه پیشبرد امر دموکراتیزاسیون در جامعه خواهد بود که این مسأله کاملا ستراتیژیک و سوسیالیستی است. در برهه حساس کنونی نیز می بینیم که تا چه حد سرنوشت آزادی و رهائی مردم ایران به مبارزات " ارتش قدرتمند و مهیب " جنبش کارگری گره خورده است و تا کجا چشم ها به سوی مبارزات طبقاتی کارگران دوخته شده است.

به معنای واقعی آن افق نوید بخشی سوسیالیستی که در دانشگاه با تلاش های بی وقفه فعالان چپ و سوسیالیست شکل گرفته است، لازم است که این شکل از مبارزات سیاسی باید پا به عرصه فراتری گذارد و در شکل گرفتن قطب سوسیالیستی در تقابل با حاکمیت سرمایه داری و جناح ها و گروه های مختلف راست و لیبرالی گام بردارند و این روند را بیش از هر زمانی تقویت نمایند.

دانشجویان چپ و سوسیالیست در دانشگاه ها لازم و ضروریست تا هر آن چه در توان دارند با توده گیر کردن خواست و مطالبات آزادی خواهانه و دمکراتیک در بین دانشجویان، ایجاد تشکل های مستقل و رادیکالی را که بستری برای رهبری و هماهنگ کردن اعتراضات دانشجویان را در خود جمع و با سمت و سو دادن به آن از به هرز رفتن اعتراضات خودجوش و فاقد رهبری جلوگیری نمایند. از این رو قبل از هر چیز اتحاد نیروهای چپ و سوسیالیست برای آن چه در فوق ذکر شد امری ضروری و عاجل است. بدون رهبری رادیکال با افقی سوسیالیستی، زمینه های عینی در جنبش دانشجویی وجود دارد تا جریانات راست و بورژوائی از آن برای مقاصد سیاسی (که به هیچ وجه منافع توده های دانشجو را در بر نداشته و نخواهد داشت) بهره برداری خواهد شد. اگر بخواهیم دانشگاه کانون مبارزه برای احقاق مطالبات دمکراتیک و آزادی خواهانه دانشجویان باشد، مکانی برای مبارزه علیه آپارتاید جنسی، سرکوب زنان، تحمیل افکار ارتجاعی و قوانین مذهبی تبدیل شود، فعالیت در جهت تبلیغ و ترویج سوسیالیسم (به مثابه افق رهائی بخش انسان) و پیگیری و همبستگی مبارزات دانشجویان با سایر جنبش های دمکراتیک و طبقاتی طبقه کارگر حفظ و تداوم و تضمین یابد، بدون یک رهبری سوسیالیستی برای پیشروی در این راستا و لزوم تشکل یابی آن، امکان تحقق هر آن چه گفتیم را غیر ممکن میسازد. یعنی آن چه دانشجویان سوسیالیست بر آن تأکید دارند، با طرح مقوله «اتحاد جنبشهای دمکراتیک حول جنبش کارگری»، و بحث «نمایندگی افق پرولتری در جنبش دانشجویی» سعی و تلاش برای تبلیغ و ترویج این مسأله به چشم انداز نوینی برای کلیت دانشگاه برگزینند و بخش چپ دانشجویی را به این امر مهم دعوت نمایند تا در راه تشکل یابی طبقه کارگر و غلبه بر موانع عینی و ذهنی آن را به هسته اصلی ستراتژیک خود بدل سازد.

در عرصه مبارزه سیاسی هم عملاً نیروهای موجود جامعه به دو قطب اصلی (سوسیالیسم و بورژوازی) در تقابل با هم قرار گرفته اند. در همه جنبش های اجتماعی این دو گرایش در مبارزه ای رو در رو و تنگاتنگ به پیش می روند. لیبرالیسم که گرایش غالب بورژوازی است در جنبش کارگری خود را در شکل رفرمیسم، در جنبش زنان کمپین یک میلیون امضاء و فمینیسم اسلامی، و در جنبش دانشجویی لیبرالیسم و ناسیوالیسم (شامل سوسیال دمکراسی) خود را نمایان کرده است. فعالین سوسیالیست جنبش دانشجویی بناء به جایگاهی که در آن قرار گرفته اند و از موقعیت بهتر و از پتانسیل و آگاهی طبقاتی بالاتر بر خوردار هستند و به مثابه پیشروان جنبش سوسیالیستی می باید در همه عرصه های مبارزه نظری، سیاسی و عملی در سطح اجتماعی به شکلی وسیع به نقد همه جانبه لیبرالیسم بپردازند. لیبرالیسم می تواند نیروی اصلی در برابر جنبش سوسیالیستی قرار بگیرد. پیشروی جنبش سوسیالیستی به شکل وسیع و مشخصاً در جنبش دانشجویی تنها از مسیر نقد و افشای ماهیت طبقاتی و سیاسی لیبرالیسم می گذرد. غافل شدن در مقابله بی وقفه با لیبرالیسم می تواند به قیمت پس روی جنبش سوسیالیستی منجر شود. مبارزه خود به خودی جنبش های اجتماعی را اگر مبارزان و فعالان سوسیالیست رهبری و به دست نگیرند به زانیده لیبرالیسم تبدیل خواهد شد و عملاً این جنبش ها عقیم جریانات راست و بورژوازی خواهند شد.

به گفته مارکس "سلاح انتقاد یقیناً نمی تواند جایگزین انتقاد به وسیله اسلحه شود. قهر مادی را باید به وسیله قهر مادی سرنگون کرد. ولی تنوری هم به مجرد این که توده گیر شود به قهر مادی مبدل می گردد، تنوری می تواند توده گیر شود به محض این که توده ها محمل تظاهر آن گردد و توده ها زمانی محمل تظاهر تنوری می شوند که تنوری رادیکال باشد. رادیکال بودن یعنی دست به ریشه مسائل بردن و برای انسان ریشه خود انسان است..."